

پیشنهاد عباس آخوندی برای استراتژی توسعه ایران در جلسه شورای سیاست گذاری حزب ندای ایرانیان:

تجارت آزاد باید محور توسعه ایران باشد



و سخت داشته باشیم. روندهای سیاسی غالب این است که آمریکا با رفتن ترامپ و محکومیت ترامپسم، به روندهای نرم برمی‌گردد و روندهای نرم گسترش پیدا می‌کند؛ ولی در منطقه ما همچنان روندهای قدرت سخت است. ما هنوز منطق قدرت نرم و کار با قدرت نرم را بلد نیستیم و زبان، عکس‌العمل و زبان‌با ما نسبت به تحولات سیاست جهانی از منظر قدرت سخت است. چون قدرت نرم بر مبنای گفت‌وگو است و قدرت سخت بر مبنای درگیری و منازعه است. هنوز خیلی مشکل نگرشای داریم.

آخوندی در بررسی روندهای اقتصادی کلان در منطقه گفت: بعد از بیماری کرونا، به‌تدریج اقتصاد جهان رو به بهبود است. به دلیل پول‌های زیادی که در ایام کرونا در دنیا چاپ شد و برای تامین رفاه مردم در کشورهای مختلف از آمریکا و اروپا و کشور خودمان و بقیه کشورها، میانگین نرخ تورم جهانی افزایش پیدا کرده، ولی به‌طور آهسته این روند کاهشی مسیر خودش را طی می‌کند. آن جنگ تجاری که ترامپ با چین و اروپا شروع کرده بود و عدم قطعیتی که در تجارت جهان ایجاد کرده بود، دارد کاهش پیدا می‌کند و روندهای تجاری در دنیا به‌تدریج تبدیل به روندهای پایدارتری می‌شود. الان بازیگری روسیه کاهش پیدا کرده است؛ مخصوصا بعد از جنگی که شروع کرد. بنابراین روسیه که معمولا ناآتش در دعوای بود، الان به دلیل درگیری در جنگ قدرت، بازیگری‌اش کاهش پیدا کرده است و می‌توانیم تصور کنیم که چین همچنان به رشد خودش ادامه می‌دهد؛ مخصوصا در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان. در چنین موقعیتی اگر شما بخواهید در صحنه تجارت جهان حضور داشته باشید، رشد بالای فناوری در واقع اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین رقت‌ها است. اخیرا هم شما حتما با بحث سیستم‌های هوشمند آشنا هستید. در کنار این توسعه نقش رمازارها در جهان نیز در‌خور تأمل است؛ به نحوی که شاید در سال‌های آینده یک سیستم رگولاتوری برای رمازارها در جهان ایجاد شود. توجه به این امر از این جهت ضروری است که بدانیم هوش مصنوعی و رمازارها تجارت آزاد در جهان را در آستانه یک تحول نوین قرار داده‌اند و بی‌توجهی ما به آن می‌تواند موجب عقب‌ماندگی مضاعف ما از روندهای بین‌المللی شود.

در حوزه اقتصاد، سرمایه‌گذاری زیادی در انرژی‌های تجدیدپذیر صورت می‌گیرد؛ مخصوصا بعد از جنگ اوکراین. در واقع الان روند استفاده از فتوسل در انرژی ایجاد برق، رو به گسترش است. بسیاری از کشورهای اروپایی دنبال این هستند که در سال‌های ۲۰۳۰ بخش عمده حمل‌ونقل را از اتکا به انرژی‌های فسیلی خارج کنند؛ بنابراین اتفاق‌های بسیار بزرگی در انرژی‌های تجدیدپذیر در سطح جهان در حال رخ‌دادن است و قطعاً اهمیت نفت در جهان کاهش پیدا خواهد کرد. شما حتی اگر رشد اقتصادی جهان را در ۲۰ سال گذشته نگاه کنید، درست است که مصرف نفت چندان کاهش پیدا نکرده است، اما با توجه به رشد اقتصادی حاصل و افزایش انرژی مصرفی، مشاهده خواهید کرد که انرژی مورد نیاز، اغلب از منابعی به‌جز منابع فسیلی تأمین شده و علی‌رغم رشد سهمگین مصرف انرژی در جهان، مصرف نفت ثابت باقی مانده است. برای مثال رشد مصرف انرژی در سال ۵۰۸،۲۰۲۱ درصد نسبت به سال ۲۰۱۹ رشد داشته است. این در حالی است که رشد مصرف نفت در سال ۲۰۲۱ معادل حدود ۹۷ میلیون بشکه در روز بوده؛ یعنی ۳۰۷ میلیون بشکه کمتر از سال ۲۰۱۹ و مازاد مصرف انرژی در سال ۲۰۲۱ عمدتاً از طریق افزایش ۱۵درصدی در تولید انرژی‌ها تجدیدپذیر تأمین شده است. این به آن معناست که سایر منابع و روش‌های تولید انرژی در حال توسعه و رشد سریع‌تری نسبت به نفت هستند. فهم این حقیقت ما را به آن وامی‌دارد که بدانیم نقش نفت که اقتصاد ما متکی به آن است، در اقتصاد جهان رو به افول است و بیهوده وقتی یک میلیون بشکه نفت با قیمت‌هایی زیر قیمت جهانی می‌فروشیم، لطمان وقتی می‌رود. روند جاری نشان می‌دهد که در ۳۰ سال آینده، نفت اهمیت خودش را از این هم که هست بیشتر از دست می‌دهد. بنابراین، آنچه می‌تواند آینده ایران را شکل داده و اقتصاد کشور را نجات دهد، فروش نفت و مشتقات نفتی نیست، بلکه تنها و تنها تجارت آزاد است.

آخوندی در جمع‌بندی صحبت‌های خود تا این بخش بیان کرد: من تا حالا فقط سه موضوع را مطرح کردم: تجارت محور توسعه اقتصاد ایران است و الزامات تجارت در ایران و روندهای سیاسی جهان را هم گفتیم. نهاد دولت در ایران در ضعیف‌ترین وضعیت و اینکه ما همچنان دنبال قدرت سخت هستیم و صبح تا شب تلویزیون ایران می‌خواهد نشان دهد که ایران از جهت قدرت سخت خیلی رشد کرده است. در چنین بستری، توجه به ساختار دولت در ایران بسیار حائز اهمیت است؛ چون در نهایت توسعه بدون دولت مدرن و دولت توسعه‌گرا امکان‌پذیر نیست. در این چارچوب تحلیلی، مسئله مهم این است که ایران فاقد دولت ملی است. حتی می‌توان گفت ما اساساً فعلاً در وضعیت امتناع از امکان تشکیل دولت ملی هستیم. نهاد دولت در ایران در ضعیف‌ترین وضعیت تاریخی خودش است و فراتر آنکه دولت در موقعیت سیاست‌گذاری نیست. البته این فارغ از دولت فعلی و اعضا و ترکیب آن است. در واقع هر سبستی که نهاد دولت وضع کند، چهار آدم در کمیته‌ای در مجمع تشخیص مصلحت می‌توانند آن سیاست را مغایر سیاست‌های کلی اعلام و آن را متوقف کنند. ازاین‌رو، نهاد دولت در وضعیت بسیار ضعیفی قرار دارد. سیاست تجارت آزاد نیازمند یک دولت قوی است که حافظ منافع ملی ایران در حین بین‌المللی و حقوق مالکیت و حاکمیت قانون در داخل باشد؛ دو ظرفیتی که دولت را هر دو تهی است.

در انتها آخوندی اشاره کرد: من پیشنهاد کرده بودم که اگر ایران بخواهد توسعه پیدا کند، باید برگردیم به ایده ایران. چرا ایده ایران مهم است؟ چون ایده ایران بر مبنای فهم واقعی از تمدن ایران و موقعیت ژئوپلیتیک آن است. فهم واقعی ژئوپلیتیک ایران این است که اینجا چهارراه جهان است. ازاین‌رو، توسعه ایران تنها با بازنگه‌داشتن این چهارراه و روانی در آن میسر است. دولت توسعه‌گرا باید این چهارراه را همیشه برای رفت‌وآمد کالا، پول، سرمایه و انسان باز نگه دارد؛ یعنی دقیقاً ضد آنچه در حال حاضر در حال انجام است. ما دقیقاً وسط چهارراه ایستاده‌ایم و فکر می‌کنیم چون کنترل چهارراه در دست ماست، می‌توانیم چهار طرف چهارراه را ببندیم و هرکس آمد از این چهارراه عبور کند، ما از او چیزی را دریافت کنیم. حال اینکه اگر شما چهار طرف همین چهارراه را ببندید، کبردهای موازی را می‌افتد و در واقع شما را دور می‌زنند. همین‌طور که می‌بینید کبریدرو لا‌چورد و کبریدورهای مختلف راه افتاده و ایران را دور زدند. بنابراین، هرکس ایده ایران را بفهمد، می‌فهمد که توسعه در ایران این است که شما ایران را به‌مثابه چهارراه تجارت جهانی در نظر بگیرید و اساس استفاده از این موقعیت در بازنگه‌داشتن این چهارراه و پاسداری از تجارت آزاد است؛ یعنی مأمور توسعه در ایران کسی است که سیاست او این باشد که همیشه کالا، پول، سرمایه و انسان در این چهارراه به روانی در حال حرکت باشد. دقیقاً ضد آنچه الان در حال انجام است؛ از نظر من تنها راه توسعه اقتصادی ایران، آزادی تجارت است و هیچ امکان‌پذیر نیست که راه دیگری داشته باشیم.

تمام اتفاقی که در زمینه رشد اقتصادی چین افتاد، این است که روی خودکفایی یک خط قرمز کشیده شد و تصمیم بر این شد که اقتصاد چین را به اقتصاد جهان پیوند ندهند و چین را تبدیل به کارخانه جهان کنند. از آن به بعد تمام سیاست‌های بین‌المللی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و حتی دفاعی چین براساس آن بنیاد یافت؛ بنابراین موقعیت‌یابی ایران در بازار جهانی نقطه کانونی است. اگر این را مبنا قرار بدهیم، نکته بعدی شناخت فرایند و رهگذار توسعه ایران است. پیشنهاد استراتژیک من توسعه دریامحور است. امروزه بخش اعظم توسعه در سطح جهان، به دلیل حمل‌ونقل‌های سریع و گسترده و ارزان دریایی، عمدتاً روی دریا صورت می‌گیرد. شبکه ارتباطات و تبادل دریایی و تولید در کنار دریاها، ستون فقرات توسعه مدرن جهان را شکل می‌دهند. شما همین کشورهای جنوب خلیج فارس را که نگاه کنید، همه توسعه‌ها روی دریا است و به شکل خیلی شگفت‌انگیزی سیاست عملی توسعه صنعتی ایران در دهه‌های گذشته فاصله‌گرفتن از دریاست. ما کاملاً ضد جریان آب حرکت می‌کنیم، به جای اینکه توسعه را لب دریای ایران در خلیج فارس داشته باشیم، آب را با افتخار خیلی بزرگ از دریا به یزد و کرمان و کویر می‌آوریم و در کویر توسعه می‌دهیم؛ و بعد هم کلی افتخار می‌کنیم در دل کویر با هزینه بسیار زیاد که از توان رقابتی ما می‌کاهد، توسعه صنعتی می‌دهیم و زبان حاصل را تنها از مجرای انرژی ارزان جبران می‌کنیم. نتیجه این سیاست وارونه و مخرب محیط زیست و ناپایدار آن شده است که درحال‌حاضر تراکم نفر در کیلومتر مربع در کنار دریای جنوب ایران یک چیزی حدود ۴۰۵ تا ۴۰۸ است. این شاخص در تهران بالای ۷۰۰ نفر است. این یعنی نبود تعادل کلی در سرزمین ایران.

او خاطرنشان کرد که افزون بر امر فوق، اگر تجارت را محور توسعه ایران بگذاریم، قاعدتاً باید کار با قواعد بین‌المللی با عضویت در نهادهای تجاری جهانی ازجمله سازمان تجارت جهانی WTO را در دستور کار قرار بدهیم. اگر این فرضیه را محور قرار دهیم، سیاست ازری پایدار نیاز داریم، سیاست پولی مستقل می‌خواهیم که نداریم و نظام بانکی معتبر می‌خواهیم. بانک‌هایی با استانداردهای بین‌المللی می‌خواهیم که شاید چیزی جز، دو بانک مابقی توان همسری با رقبای خود در نظام پولی جهانی را ندارند.

آخوندی در ادامه روند سیاسی غالب در جهان را بررسی کرد و در این زمینه گفت: اگر شما ببینید روندهای سیاسی غالب در جهان را نگاه کنید، می‌بینید که روند غالب، روند توسعه قدرت نرم است. درواقع قدرت‌های نرم در فرایندهای جهانی‌شدن با همدیگر رقابت می‌کنند، نه قدرت‌های سخت. از به عبارت دیگر، قدرت سخت در صورتی کارایی دارد که همراه با قدرت نرم و در راستای هر حفظ و حفاظت از آن باشد. با آمدن بایدن و رفتن ترامپ، این داستان شدت بیشتری هم پیدا کرد و درواقع قواعد بازی بین‌المللی بر مبنای قدرت نرم تشدید شد و آن رویکردهای حمایتی و ملی‌گرایانه افزایش دیوارهای تعرفه‌ای به نفع صنایع داخلی که ترامپ دنبال آن بود، از بین رفت؛ ولی قدرت‌های منطقه خاورمیانه همچنان دریافت‌شان از قدرت، مبتنی بر اثباتش قدرت سخت است.

البته به‌تازگی عربستان در حال ایجاد تغییراتی در این زمینه است.

با این وجود، عربستان در حال ایجاد تغییراتی در این زمینه است. سیاست غالب در ایران نیز مبتنی بر قدرت نرم است. این مطلبی است که اغلب بشما، صداسپمای جمهوری اسلامی درباره آن داد سخن می‌دهد. چون فهم ما و سایر قدرت‌های منطقه بر این اساس استوار است که همچنان قدرت سخت به قدرت نرم ترجیح دارد. برای مثال می‌توانید به حرکت اخوان‌المسلمین نگاهي داشته باشید؛ حال اخوان‌المسلمین چه به شکل عام و چه به شکل زیرشاخه‌هایش مثل طالبان، داعش و این گروه‌ها که درواقع همه آنها زیرشاخه‌های آن هستند. این نگاه که تا حد زیادی نگاه غالب جریان‌های اسلامی در منطقه است، همه چیز را از لوله تفنگ می‌بیند؛ چون از نظر آنان عزت مسلمانان تنها به اتکای تفنگ و سرنیزه تأمین می‌شود. ازاین‌رو، شاهد یک نوع خشونت فراملی در منطقه هستیم. متأسفانه ما در ایران به دلیل درک ناقص از تحولات جهان اسلام، بدفهمی اسلام و تنزل آن به ایدئولوژی و نداشتن استراتژی روشن در برابر این تحولات، اغلب در همین زمین بازی می‌کنیم. گرایشی سیاسی غالب در ایران هم قدرت سخت است؛ مخصوصاً از سال ۸۴ که بعد که دولت نهم سر کار آمد، توجه به قدرت سخت در ایران در دستور کار اصلی قرار گرفت. اسرائیل هم با سواستفاده حداکثری از این سیاست ایران و بهانه قراردادن آن، نه‌تنها ارتباطات امنیتی و دفاعی خود با سایر قدرت‌های منطقه را عمق و گسترش داد بلکه با پیش‌دستی‌هایی که کرد، توانست موانع سیاسی بیشتری برای توسعه تجارت ایران با منطقه و توسعه روابط اقتصادی ایران به‌طورکلی فراهم کند.

آخوندی با بیان اینکه مجلس فعلی و دولت سیزدهم کاملاً بر اساس قدرت سخت عمل می‌کنند و این رویکرد، وضعیت اقتصاد ایران را بسیار سخت‌تر کرده و امکان توافق‌های بین‌المللی ایران را کاهش داده است، ادامه داد: البته اخیراً اتفاقاتی که دارد رخ می‌دهد، اگر به نتیجه برسد، مقداری نشان از یک نوع تجدیدنظر در ارتباط با روابط منطقه دارد؛ ولی در هر صورت گروه حاکم بر سیاست ایران همچنان اتکایشان به قدرت سخت است و اتکا به قدرت نرم و دموکراسی به آن مفهوم در منطق آنان جایگاهی ندارد.

رفتار دولت آمریکا در منطقه هم خیلی مهم است. آمریکا هم در این منطقه هیچ تعهدی به قدرت نرم ندارد و فعلاً منافعش این است که از قدرت‌های سخت در منطقه دفاع کند. بنابراین، وقتی می‌گوییم تجارت باید محور اصلی توسعه ایران باشد، به این معناست که تجارت را بخشی از قدرت نرم می‌دانم و به همین دلیل خیلی مهم است که فهمی از روندهای سیاسی غالب در جهان و بحث‌های قدرت نرم

عباس آخوندی به‌عنوان یکی از اشخاصی که همواره درباره برنامه‌های توسعه نقدهایی داشته، در جلسه شورای سیاست‌گذاری حزب ندای ایرانیان مطالبی را درباره استراتژی توسعه ایران و همچنین تشریح جریان سیاسی حاکم بر ایران بیان کرد. در این جلسه آخوندی ضمن انتقاد از برداشت و تفسیر از اقتصاد مقاومتی و همچنین بیان ضرورت و اهمیت انتخاب تجارت آزاد به‌عنوان محور توسعه ایران خاطرنشان کرد: «اصلی‌ترین مأموریت نهاد دولت در ایران باید توسعه تجارت آزاد باشد؛ بنابراین ضرورت دارد که با پایش فرایندهای تجاری کشور، هرجا مانعی برای رشد تجارت دیده شده، سریعاً مرتفع شود؛ یعنی سیاستی صدرمد صد مقابل سیاست جاری».

تجارت آزاد، محور توسعه ایران

عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی دولت اول روحانی، مطالبی را درباره شرایط اقتصادی و سیاسی ایران و منطقه عنوان کرد و گفت: عدم رشد و عقب‌افتادگی ایران معلول دو غفلت است که در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی یا به عبارت‌دیگر ملی درباره نحوه تعامل و حضور ایران در بازارهای جهانی رخ داده است. در این زمینه آخوندی گفت: گروهی تصور می‌کنند که توسعه امری است که در داخل ایران رخ می‌دهد و ربطی به تجارت ندارد. تقریباً خط‌مشی‌ای که همه‌روزه صداسپمای‌ترویج می‌کند، بر پایه چنین دیدگاهی است. برای همین می‌گویند مسکن یا کشاورزی می‌توانند موتور توسعه کشور باشند و مباحثی مانند خودکفایی را مطرح می‌کنند؛ درحالی‌که من معتقدم توسعه بدون تجارت خارجی وجود ندارد و درواقع تجارت ستون فقرات توسعه ایران است. او خاطرنشان کرد که تجارت صرفاً صادرات نیست؛ بلکه هم صادرات است، هم واردات و هم پیداکردن نقش و جایگاه در بازار جهانی و در نتیجه تجارت و توسعه ارتباط تنگاتنگی با نحوه حضور سازنده و مؤثر ایران در تمام جنبه‌های زندگی بشری و افزایش رفاه جهانی دارند.

در ادامه آخوندی به بررسی جنبه‌های مختلف توسعه پرداخت و در این زمینه با اشاره به اینکه تاکنون درباره جنبه‌های اجتماعی یا به‌طور تخصصی‌تر اهمیت پرداختن به امر توسعه نیروی انسانی فراوان صحبت شده که بـیـراه هم نبوده است؛ اما به گمان من تابع هدف توسعه ایران باید گسترش تجارت بدون رشد و تمام سیاست‌های دیگر اعـم از توسعه دانش، فناوری، نیروی انسانی، مالی، اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی و دفاعی باید حول محور توسعه تجارت تنظیم شوند؛ چراکه موقعیت ژئوپلیتیک ایران با توسعه تجارت قابل تعریف است. اگر این ویژگی را از ایران بگیریم، دیگر ایران، ایران نیست؛ ازاین‌رو اساساً به نظر من توسعه بدون تجارت امکان‌پذیر نیست. این بحث مهم و استراتژیکی است. شورویخانه برداشتی که از اقتصاد مقاومتی می‌شود، کاملاً توسعه ضد تجارت و ضد توسعه ایران است. حال آنکه متن اقتصاد مقاومتی این نیست؛ ولی آن چیزی که تلویزیون از اقتصاد مقاومتی ترویج می‌کند، توسعه بدون تجارت خوانشی ضد توسعه است.

او در ادامه مسئله ویژگی‌های ایران و توسعه را نکته دوم در زمینه برنامه توسعه عنوان کرد و گفت: آیا اگر ما در ایران بخواهیم یک برنامه توسعه‌ای را از جهات مختلف به‌عنوان مثال توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طرح بکنیم، چه تصویری از ایران توسعه‌یافته در ذهن داریم؟ در پاسخ به این سؤال آخوندی گفت که ایران توسعه‌یافته ایرانی است که تبدیل به یکی از مرکز مبادلات جهان شده و دست‌کم یک گرانیگاه اصلی مبادله در منطقه است. منظور از مبادله اعم از مبادله پول، کالا، سرمایه، دانش، فرهنگ، فناوری و هر نماد دیگری است؛ بنابراین محور توسعه اقتصاد ایران نه نفت است و نه پتروشیمی. نه اینکه اینها نیستند؛ بلکه همه‌شان هست؛ ولی همه اینها در زمینه «تجارت آزاد» معنی پیدا می‌کنند؛ بنابراین من دو ادعا در این جلسه دارم: ۱- سیاست تجارت آزاد سازگارترین سیاست با ویژگی‌های ژئوپلیتیک، تمدن و تاریخ اقتصادی ایران است و ۲- اساساً و به‌طور کلی، توسعه و رشد اقتصادی بدون تجارت در هیچ جای جهان میسر نیست؛ بنابراین کسانی که به نام خوداتکایی، سدی بر راه تجارت ایران ایجاد می‌کنند، ضد توسعه ایران هستند.

او در راستای همین فرضیه ادامه داد: بنابراین اصلی‌ترین مأموریت نهاد دولت در ایران باید این باشد که رشدهای تجاری کشور را مرتب شناسایی کند و هرجا برای رشد تجارت در ایران منعی وجود دارد، باید آن منع را برطرف کند؛ بنابراین اگر اقتصاددانانی مانند آقای دکتر نیلی راجع به ایرجانش‌های اقتصادی ایران بحث می‌کنند و می‌گویند باید آنها بی‌طرف شوند، سخن درستی می‌گویند؛ ولی به گمان من، اینها همه شرط لازم هستند و شرط کافی برای رفع ایرجانش‌ها اتخاذ سیاست «تجارت آزاد» است.

او در ادامه در پاسخ به این سؤال که لازمه این اتفاق چیست؟ پاسخ داد: باید قدرت رقابت‌پذیری ایران در بازار جهانی افزایش پیدا کند. چگونه قدرت رقابت‌پذیری ایران در سطح جهان افزایش پیدا می‌کند؟ از نظر اقتصادی و از نظر علمی باید نرخ بهره‌وری کل عوامل تولید افزایش پیدا کند. این به آن معنا است که نه‌تنها نرخ بهره‌وری نیروی انسانی یا زمین یا سرمایه باید ارتقا یابد؛ بلکه نرخ بهره‌وری کل عوامل تولید که تابعی است از سیاست‌های کلی یک نظام حکمروایی باید بهبود یابد. نرخ بهره‌وری کل عوامل تولید تابعی از عوامل تولید به‌اضافه محیط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی است؛ بنابراین تأکید روی نرخ بهره‌وری کل یکی از آن تأکیدهای مؤکدی است که من می‌خواهم راجع به آن بحث کنم. دوستانی که با بهره‌وری آشنا هستند، متوجه می‌شوند که تفاوت آن با بهره‌وری تک‌تک عوامل تولید چیست.

آخوندی در ادامه با بیان اینکه اصلی‌ترین بحث ما برای پیداکردن استراتژی توسعه این است که بگوییم و بدانیم ما کجای بازار جهانی ایستادیم، افزود: موقعیت ایران در بازار جهانی اصلی‌ترین بحثی است که من در امر توسعه بحث می‌کنم. انتخاب شرکای تجاری استراتژیک و انتخاب استراتژی رقابتی، اگر شما نگاهی به چین بکنید،

نوبت دوم	موضوع پرووه	مبلغ بر آورد(ریال)	شهرستان	مدت پیمان (ماه)	مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار (ریال)
	عملیات اجرایی رگلاژی و روکش آسفالت بخشهایی از محور مژگان -لمزان	۱۴۹,۹۲۷,۱۶۱,۳۰۰	بندرلنگه	۶	۷,۴۹۶,۳۵۸,۰۶۵

با سرزنش اجتماعی تخلفات رانندگی، از قانون شکنی و تکرار تخلف جلوگیری کنیم.

مناقضه عمومی شماره ۶۰-۴۰۲

اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان هرمزگان در نظر دارد مناقضه عمومی فوق را با مشخصات و شرایط کلی ذیل از طریق برگزاری مناقضه ، به شرکت های واجد شرایط واگذار نماید.

الف) شرح مختصر کارها :

موضوع پرووه	مبلغ بر آورد(ریال)	شهرستان	مدت پیمان (ماه)	مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار (ریال)
	۱۴۹,۹۲۷,۱۶۱,۳۰۰	بندرلنگه	۶	۷,۴۹۶,۳۵۸,۰۶۵

ب) محل تأمین اعتبار : از محل اعتبارات استانی	ج) شرایط مناقضی : ۱ - داشتن شخصیت حقوقی ۲- داشتن توانایی ارائه ضمانت نامه بانکی شرکت در فرآیند ارجاع کار و ضمانت نامه انجام تعهدات ۳- دارا بودن حداقل رتبه ۵ رشته راه و ترابری. لذا متقاضیانی که دارای شرایط مذکور در بند « ج » فوق بوده و آمادگی اجرای پروژه را دارند می توانند جهت اخذ اسناد مناقضه از ساعت ۱۴:۳۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۲ به پایگاه اینترنتی سامانه تدارکات الترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند، آخرین مهلت تحویل اسناد مناقضه، ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۱ و بازگشتی پاکات ساعت ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۱ خواهد بود. جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس اینترنتی www.iets.mporg.ir مراجعه نمایید.
شناسه آگهی: ۱۵۲۱۱۷۹	
نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱	نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۴/۱۲
اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای	

خبر برگزیده

حواشی شایعه حضور تیک‌تاک در ایران

شرق: «شبکه اجتماعی چینی به ایران می‌آید»؛ این خبری است که بین کاربران ایرانی واکنش گسترده‌ای داشته است. بسیاری از این کاربران با اشاره به فیلترینگ گسترده شبکه‌های اجتماعی در ایران، حالا نگران هستند که شبکه اجتماعی چینی در ایران جایگزین سایر پلتفرم‌های جهانی شود. آنها با اشاره به سابقه تیک‌تاک در افشای اطلاعات شخصی کاربران خود، می‌گویند اجباری شدن استفاده از این شبکه به جای سایر پلتفرم‌های بین‌المللی، می‌تواند حریم خصوصی کاربران ایرانی را به خطر بیندازد. اما این تمام ماجرا نیست، ماجرا از آنجا شروع شد که اتاق بازرگانی تهران خبر داد سه نفر از متخصصان شرکت Anext به ایران می‌آیند تا در همایشی تجاری شرکت کنند. این شرکت در واقع یکی از شرکت‌های خدمات‌دهنده در حوزه کسب‌وکار به تیک‌تاک است و نه شرکت تیک‌تاک. همین مسئله باعث شد که بحث‌های گسترده بین کاربران ایرانی از سر گرفته شود و برخی این ماجرا را به اعمال محدودیت‌های بیشتر برای کاربران ایرانی قلمداد کنند. شبکه اجتماعی تیک‌تاک که در آمریکا کاربران زیادی دارد، سال گذشته بسیار حاشیه‌ساز بود و آمریکایی‌ها مدعی شدند این شرکت داده‌های برخی کاربران خود را افشا کرده است. این ماجرا به رتبه پایین چین در آزادی بیان گره خورد و باعث شد کاربران زیادی در سراسر دنیا نسبت به تیک‌تاک تردید پیدا کنند. نکته جالب اینکه تیک‌تاک کاربران ایرانی را سال‌هاست تحریم کرده و افرادی که ساکن ایران هستند نمی‌توانند به این شبکه اجتماعی دسترسی داشته باشند.
بایان حال، خبر اتاق بازرگانی تهران برای بسیاری، این پرسش را ایجاد کرد که تیک‌تاک در ایران چه می‌کند؟ البته واقعیت این بود که تیک‌تاک در ایران حضور نیافته و تنها یکی از شرکت‌های خدمات‌دهنده به آن در ایران حاضر شده است. این شرکت خدمات‌دهنده بنا بر گفته متولیان اتاق بازرگانی تهران، برای کسب‌وکارها ویدئوها و محتوای تبلیغاتی می‌سازد و آن را در اختیار شبکه‌های اجتماعی برطرف‌دار چینی قرار می‌دهد.حسام حلاج، معاون امور بین‌الملل اتاق بازرگانی تهران، درباره این موضوع به ایلنا توضیح داده است: «اتاق بازرگانی تهران مذاکراتی با هیئت‌ا شرکت Anext چین داشته و شرکت Anext یکی از شرکت‌های برتر تجارت الکترونیک چین است که در واقع شرک و همکار تجاری تیک‌تاک است. این شرکت این امکان را دارد که برای شرکت‌های ایرانی که علاقه‌مند به حضور در بازار چین هستند، از طریق ویدئوهایی تبلیغاتی در شبکه‌های اجتماعی مختلف و شناخته‌شده چین از جمله تیک‌تاک، تولید محتوا کند و این‌گونه محصولات ایرانی را به مشتریان چینی معرفی کند. این شرکت به تیک‌تاک محدود نیست و با سایر شبکه‌های اجتماعی چینی نیز همکاری می‌کند.» او همچنین تأکید کرده است: «با اوج‌گیری تجارت الکترونیک در چین، افراد تبلیغات را از طریق پلتفرم‌ها انجام می‌دهند؛ از این‌رو فرصت مناسبی است، چراکه سفر به این کشور برای هر شرکت در برنامه‌ها گران تمام می‌شود، به همین دلیل تجار می‌توانند از طریق این شرکت‌ها محصولات خود را به بازار چین عرضه کنند و طرف چینی درخواست تولید محتوا در حوزه محصولات غذایی، کشاورزی و سیالات از ایران را کرده است و افرادی که در حوزه تجارت محصولات غذایی یا سایر کالاها مانند زعفران، پسته، فرش و… هستند، برای سپردن تبلیغات خود به این شرکت اعلام آمادگی کرده‌اند».

ادامه از صفحه اول

«تحریم» یا «تیغ دولبه»

به گفته نویسنده کتاب و براساس تحلیل او چهار عامل شاخص موفقیت تحریم‌هاست:

۱- زمان و تداوم تحریم‌ها، اینکه تا چه مدتی پایدار هستند و توان ادامه دارند؟
۲- دامنه و وسعت تحریم‌ها چه میزان است؟ اگر دامنه محدود باشد، به نظر نویسنده اثرگذاری بیشتر داشته.
۳- آیا کشورهای تحریم‌شده اساساً با آمریکا رابطه قبلی تجاری داشته‌اند؟ بدیهی است اگر رابطه اقتصادی قوی از قبل وجود نداشته؛ بنابراین برای کشور تحریم‌شده تأثیر زیادی نخواهد داشت.

۴- مهم‌ترین عامل تأثیرگذاری تحریم‌ها این است که آمریکا در اعمال تحریم‌ها دیگر کشورها را با خود همراه کرده است؟ به نظر نویسنده کتاب، در مواردی که تحریم‌ها تنها از طرف آمریکا بوده، اثر بسیار محدود داشته است. از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰ آمریکا در تحریم‌های یک‌جانبه‌اش تنها به ۱۳ درصد اهداف تحریمی‌اش دست پیدا کرده است؛ اما نکته بسیار مهم این است که تاریخچه تحریم‌ها نشان می‌دهد در مقایسه با جنگ نظامی، تحریم‌ها یک سیاست بسیار کم‌هزینه برای آمریکاست؛ به‌ویژه وقتی که بار اصلی اجرای این تحریم‌ها بر روی دوش شرکت‌های چندملیتی و بانک‌هاست؛ چون کمپانی‌ها در صورت همکاری نکردن فرصت‌های کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری زیادی را از دست می‌دهند. البته توسعه به منابع درآمدی دولت آمریکا از محل جریمه‌های سنگین شرکت‌های چندملیتی و بانک‌ها اشاره‌ای نکرده است. نکته مهم‌تر کتاب این است که آمریکا به هیچ‌کدام از اهداف اعلام‌شده رسمی و اولیه تحریم خود در کشورهایی مانند ایران، کوبا، ونزوئلا، کره شمالی و روسیه نرسیده؛ چراکه هدف رسمی و اعلام‌شده آمریکا تغییر رژیم این کشورها بوده و تاکنون در هیچ‌کدام از موارد فوق به هدف خود دست نیافته است. بدیهی است که این میان‌گنج‌اقتصاد و معیشت مردم عادی این کشورها بیشترین آسیب را از تحریم‌ها دیده است. اما وقتی صحبت از تحریم‌های ثانویه به میان می‌آید، آمریکایی‌ها از شرکت‌های اروپایی می‌خواهند که فورا سرمایه‌گذاری خودشان را در کشورهای تحت تحریم لغو کنند؛ در غیراین‌صورت با خطر تحریم‌های ثانویه مواجه می‌شوند. پادرمیانی دولت‌های اروپایی هم با آمریکایی‌ها فایده‌ای نداشته و به‌هیچ‌عنوان مشمول بخشش نمی‌شوند. آمریکا گرچه معتقد است تحریم‌ها ابزار به ی‌ما مذاکره کنندگان هستند و تحریم‌ها تعارضی با رعایت منشور حقوق بشر و موارد بشردوستانه مثل واردات غذا، دارو و تجهیزات پزشکی ندارد؛ اما وقتی که کشوری تحریم ثانویه می‌شود، در عمل همه راه‌ها و مسیرهای مالی برای انجام معاملات تجاری مسدود و بدون شک مردم عادی بیشترین تأثیر منفی را از تحریم‌ها می‌برند؛ مانند تحریم‌های عراق که به اعتباری باعث مرگ و میر نیم میلیون کودک در این کشور شد. بخش دیگری از کتاب به مربوط به تحریم‌های چین هست که اساساً متفاوت با دیگر کشورهاست. نویسنده معتقد است تحریم‌های آمریکا علیه چین و جنگ اقتصادی که علیه این کشور شروع کرده، داستان دیگری دارد. چین اولین طرف تجاری ۱۴۵ کشور جهان، دومین اقتصاد جهان است و به زیرکی تسلیم آمریکا نمی‌شود؛ بنابراین تحریم‌های آمریکا درنهایت هم به ضرر آمریکایی‌ها و هم به ضرر چینی‌هاست؛ پس هر دو طرف با احتیاط بیشتری دست به تحریم می‌زنند. اما راهی که آمریکا در پیش گرفته، شرکت‌های چندملیتی را بیش‌ازپیش به این باور رسانده است که این کشور در تحریم‌ها بیشتر به دنبال اهداف و منافع اقتصادی خودش است و نه ایجاد دموکراسی، حقوق بشر، آزادی یا مقابله با نظام‌های دیکتاتوری. به‌همین‌دلیل شرکت‌های چندملیتی هم به‌تدریج سعی کردند وابستگی خودشان را به آمریکا کمتر کنند. استفاده از رمازارها به نوعی واکنش به رفتار آمریکا در تحریم کشورها و منع آنها از مبادله با دلار است. نویسنده سؤال می‌کند که آیا این کشورها موفق خواهند شد؟ و به نظر او چین که در عمل به دنبال آن است و به‌تدریج آن را انجام می‌دهد و اروپایی‌ها هم در کنار اقتصادهای نوظهور تلاش‌هایی جدی در کنارگذاشتن دلار در مبادلات بین خود را آغاز کرده‌اند و این خود آغاز راه است.

پی‌نوشت‌ها:

1- Backfire: How Sanctions Reshape the World Against U.S. Interests
2- A Brief History of Economic Sanctions, Noura Abughrhis, https://www.carter-ruck.com/insight/a-brief-history-of-economic-sanctions/
3- Backfire: How Sanctions Reshape the World Against U.S. Interests, 2022, by Agathe Demarais.